آیا کتاب‌مقدس

تحریف شده است

مقدمه

در میان ما ایرانیان، بسیار شنیده می‌شود که کتب مقدسهٔ مسیحیان دست خورده است، یا به‌عبارت دیگر، تحریف شده است. در این مقاله، خواهیم کوشید این موضوع را مورد کنکاش قرار دهیم و پاسخی برای آن بیابیم.

تحریف یعنی چه؟

پیش از بررسی و پاسخگویی به این مسأله، باید دید که مقصود از تحریف چیست. کلمهٔ تحریف همریشه است با انحراف. در واقع، مدعیان تحریف کتاب‌مقدس معتقدند که متن اصلی بعدها دست خورده و افراد مغرض آن را به‌خاطر منافع خود تغییر داده‌اند.

مقصود از تحریف این است که عده‌ای در متن مقدس یک دین یا هر کتاب دیگری دست برده باشند. معنی دیگر تحریف می‌تواند این باشد که رهبران هر دینی، پیام اصیل آن دین را به‌هنگام تعالیم خود مورد تحریف قرار دهند.

معتقدان به تحریف کتاب‌مقدس می‌گویند که کتاب هر دینی تا ظهور پیامبر بعدی دست‌نخورده باقی مانده، اما پس از ظهور پیامبر جدید، از میان رفته است و آنچه امروز در دست است، متن اصلی آن کتاب‌ها نیست.

چرا چنین ادعایی؟

دلیل چنین ادعایی از سوی این قبیل افراد این است که برخی مطالب کتاب‌مقدس مسیحیان با اعتقادات خودشان همخوان و همسو نیست. لذا برای توجیه این اختلاف، این ادعا را مطرح می‌سازند.

نظر دانشمندان

مسألهٔ تحریف هیچگاه پایهٔ علمی نداشته است، بلکه فقط از سوی آن دسته از معتقدین به خدا و کتب وحیانی مطرح شده که مندرجات کتاب‌مقدس را با معتقدات خود متناقض می‌یابند.

دانشمندان و پژوهشگرانی که به وجود خدا و امکان سخن گفتنِ او با انسان معتقدند، یا به‌عبارتی ساده‌تر ادیان را وحی الهی می‌دانند، به هیچ مدرک و سندی دست نیافته‌اند که دلیلی باشد بر اینکه متن کتاب‌مقدس (عهدعتیق و عهدجدید) در طول زمان در اثر غرض‌ورزیهای اصحاب دین، دستخوش تغییر شده باشد. برعکس، ایشان به مدارکی دست یافته‌اند که ثابت می‌کند کتاب‌مقدس در طول قرون و اعصار با چه دقت وسواس‌گونه‌ای نسخه‌برداری شده و به زمان ما رسیده است. در این زمینه، در بخش پایانی این مقاله توضیح مختصری داده شده است.

و اما در مورد دانشمندان ملحد و منکر خدا! از حدود ۳۰۰ سال گذشته، عده‌ای از دانشمندان غربی اعتقاد خود را به خدا یا ماوراءالطبیعه یا دخالت خدا در امور بشر یا ظهور پیامبران الهی یا معجزات از دست دادند؛ اینان حملاتی بس سهمگین‌تر از ادعای «تحریف» بر کتاب‌مقدس وارد آورده‌اند و می‌آورند. آنان به‌یکباره منکر این شده‌اند که کتاب‌مقدس مکاشفهٔ الهی و کلام خداست. ایشان مندرجات کتاب‌مقدس را یکسره افسانه و تخیلات می‌پندارند و امکان هر نوع دخالتِ خدا در امور بشر و وقوع معجزات را نفی می‌کنند. خداشناس‌ترینِ این دسته از دانشمندان بر این باورند که فقط نکات اخلاقی کتاب‌مقدس قابل پذیرش است، وگرنه ماجرای طوفان نوح و ظاهر شدن خدا بر موسی بر کوه سینا و تولد عیسی از یک دختر باکره و ... همه افسانه است.

این دسته از دانشمندان، نه فقط کتاب‌مقدس را بلکه هر کتاب مذهبی دیگری را که حاوی معجزات باشد یا ادعای وحیانی بودن بکند، بالکل رد می‌کنند. اما هیچیک از آنان هیچگاه این ادعا را عنوان نکرده است که کتاب‌مقدس مسیحیان یا کتب آسمانی دیگر، در ابتدا وحیانی و اصیل بوده‌اند، اما بعدها مورد تحریف قرار گرفته‌اند.

بررسی مسأله

آیا اساساً امکان تحریف کتب آسمانی وجود دارد؟

اگر معتقد باشیم که کتاب‌مقدس مسیحیان را در آغاز خدا برای ارشاد و رستگاری بشر الهام فرموده، و برای این منظور، انبیا را گسیل داشته، آیا اساساً منطقی است که تصور کنیم چنین خدای مهربان و درضمن قدرتمندی اجازه دهد که هر کسی به‌خاطر سلیقه یا منفعت خود، کتاب خدا را تحریف کند؟

برای کسی که معتقد است کتب مذهبی در ادیان ابراهیمی از جانب خدا بر انبیا نازل شده، اساساً غیر منطقی است که تصور کند آنها تحریف شده‌اند. اعتقاد به تحریف کتب مذهبی، به‌طور

غیرمستقیم به این معنی است که خدایی که کلامش را برای رستگاری بشر عطا کرده، توانایی کافی برای حفظ آن را ندارد و اجازه می‌دهد کلامش به‌دست اشخاص نااهل بیفتد و تحریف شود. اگر معتقدیم خدای قادر مطلق کلام خود را نازل کرده و هدفش این بوده که بشر را از طریق آن رستگار سازد، چگونه امکان دارد اجازه چنین کاری را بدهد؟ آیا او قدرت حفظ کاری را ندارد که خود انجام داده است؟ آیا کلام او برای خودش تا این حد بی‌ارزش است؟ آیا خدا نسبت به کلام خود می‌تواند بی‌تفاوت باشد؟ پس به‌عبارت بهتر، باید گفت که اعتقاد به تحریف کتب آسمانی، در واقع کفر به خداست!

آنچه که همهٔ مؤمنین به خدا به آن ایمان دارند، بی‌شک این است که این خدا آنقدر قدرت دارد که کلام خود را از گزند روزگار و افراد مغرض حفظ کند.

بعضی می‌گویند که وقتی خدا پیامبر جدیدی می‌فرستاده و کتب پیش از او منسوخ می‌شده، دیگر توجهی به آن کتابها نداشته و اجازه داده که تحریف شوند. در پاسخ باید گفت که در ادیان ابراهیمی، هر پیامبر جدیدی که ظهور کرده، بدون استثنا رسالت خود را بر پایهٔ کتب آسمانی قبلی استوار کرده است. یعنی نه فقط به آنها استناد و اشاره کرده، بلکه آنها را مورد تأئید قرار داده، و رسالت خود را دنبالهٔ رسالت آن انبیا دانسته است. پس اگر پس از ظهور یک پیامبر جدید، قرار باشد کتب قبلی تحریف شوند، چه کسی می‌تواند ادعای این پیامبر جدید را به محک آزمایش بزند و آن را با کتب قبلی مقایسه کند؟ اگر هر کتاب دینی با ظهور پیامبری جدید از میان رفته باشد، در مقابل وجود این همه نسخه‌های خطی قدیمی چه باید گفت، نسخه‌هایی که ثابت می‌کنند این کتاب‌ها تحریف نشده‌اند.

با چه انگیزه‌ای؟

اما اساساً چه انگیزه‌ای برای تحریف کتاب‌مقدس وجود داشته است؟ مغرضین با چه هدفی می‌خواسته‌اند کتاب‌مقدس را تحریف کنند؟

معمولاً گفته می‌شود که افراد مغرض برای آنکه کارها و رفتار خود را بر اساس کتاب‌مقدس توجیه کنند، آن را تحریف کرده‌اند. واقعیت امر این است که اگر کسی بخواهد برخلاف احکام کلام خدا رفتار نماید، نیازی ندارد آن را تحریف کند. کافی است آن را به‌گونه‌ای وارونه تفسیر کند. در طول قرون متمادی، اکثریت مردم بی‌سواد بودند یا به‌خاطر نبودن دستگاه چاپ و گران بودنِ نسخ خطی، کتاب‌مقدس را در اختیار نداشتند؛ لذا تحریف شفاهی کلام خدا بسیار آسان بود و نیازی به تحریف اصل کتاب نبود.

مگر در تمام طول تاریخ کلیسا، رهبرانی نبوده‌اند که بر خلاف دستورات انجیل رفتار کرده‌اند؟ آیا همه آنها انجیل را تحریف کرده‌اند؟ آیا وقتی در قرون وسطی[1] کلیسا بر خلاف دستور محبت مسیح، اقدام به جنگهای صلیبی کرد، گفته‌های مسیح در مورد محبت و بخشش دشمن را تحریف کرد؟ نه! دستور مسیح در کتاب در جای خود محفوظ بود، و رهبران مسیحی بر خلاف آن عمل می‌کردند و عمل خود را به‌گونه‌هایی دیگر توجیه می‌نمودند که بحث در مورد آن در این مختصر نمی‌گنجد.

اما درست در همان دورهٔ جنگهای صلیبی، رهبرانی خداترس نیز بودند که این عمل را محکوم می‌کردند یا کلاً بر اساس کتاب‌مقدس علیه اقدامات پاپها اعتراض می‌کردند. اکثر آنها نیز به‌خاطر اعتراض خود کشته شدند.

تازه اگر علت تحریف این بوده که رهبران مسیحیت می‌خواسته‌اند اعمال خود را توجیه کنند، در اینصورت کتاب‌مقدس می‌بایست «در هر دوره زمانی» به‌خاطر منافع رهبران «همان دوره» مجدداً تحریف شود. به این ترتیب، کتاب‌مقدسی که اکنون در دسترس است، می‌بایست بارها و بارها مورد تحریف‌های متعدد قرار گرفته باشد. آیا واقعاً چنین بوده است؟ خوشبختانه کشفیات باستان‌شناسی ثابت کرده‌اند که کتابی که امروز در دست است، همانی است که در قرن اول نیز در اختیار مسیحیان قرار داشته است. برای بحث بیشتر در این زمینه، به بخش پایانی این مقاله مراجعه بفرمایید.

امکان تحریف عهدعتیق

چند سؤال مهم

مهم‌ترین سؤال: چه کسانی تحریف کرده‌اند و در چه زمانی؟

اعتقاد به تحریف عهدعتیق (تورات و زبور و صُحُف انبیا) مستلزم این است که معتقد باشیم که این کتاب را جانشینان موسی تحریف کرده‌اند. برای مثال، آیا می‌توان معتقد بود که یوشع، آن مرد غیور و جانشین بلافصل موسی، تورات را تحریف کرده باشد؟

اما شخصی ممکن است بگوید که نه جانشینان بلافصل، بلکه سالها بعد، رهبران منحرف دست به چنین عملی زده‌اند. در اینصورت باید معتقد بود که مثلاً رهبران دین یهود، «همگی» «به‌یکباره» منحرف و فاسد شدند و هیچ شخص خداترسی دیگر در میانشان باقی نمانده بود! چنین تصوری، هم خلاف عقل است و هم خلاف شهادت تاریخ. به شهادت تاریخ، در همه دوره‌های عهدعتیق، انبیایی بودند که به حکام ستمکیش زمانه اعتراض می‌کردند که رفتارشان بر خلاف حکم تورات است. پس نتیجه می‌شود که اولاً آنها متن درست تورات را در دست داشتند، و ثانیاً بر اساس آن

می‌توانستند رفتار درست را از نادرست تشخیص دهند. این انبیا معمولاً در راه اعتقاد و افشاگری‌شان کشته می‌شدند و نبی دیگری جایشان را می‌گرفت. نتیجتاً در میان قوم یهود همواره کسانی بودند که نسبت به کتب مقدسه‌شان تعصب و غیرت داشتند و تا پای جان در راه حفظ آن می‌کوشیدند.

بعضی ادعا می‌کنند که در حدود سال ۶۰۰ پیش از میلاد، زمانی که پادشاه بابل، یهودیان را به بابل به اسارت برد و اورشلیم و معبد بزرگ یهود را ویران ساخت، نسخ تورات و صحف انبیا نیز از میان رفت. چنین امری از نظر تاریخی صحت ندارد. نبوکدنصر، پادشاه بابل، پیش از ویرانی اورشلیم، نخست نجبا و دانشمندان و بزرگان قوم یهود را به بابل منتقل کرد. اینان کتب مقدسه خود را با خود بردند و میراث خود را حفظ نمودند. انبیای بزرگی همچون دانیال و حزقیال و زکریا از این جمله‌اند. این انبیا در دیار غربت، دائماً به کتب تورات و صحف انبیا اشاره کرده‌اند و بر اساس آنها گناهانشان را به ایشان هشدار داده‌اند؛ این امر در کتاب‌هایشان منعکس است.

در دوره‌های بعدی، یعنی چهار قرن پیش از میلاد که قوم یهود تحت استعمار و استثمار فرمانروایان یونانی و رومی قرار داشتند، بارها کتب مقدسه‌شان مورد تهاجم قرار گرفت، طوری که اگر نسخه‌ای از تورات و صحف انبیا نزد کسی یافت می‌شد، مجازاتش اعدام می‌بود. با این حال، به شهادت تاریخ، افرادی بودند که با شجاعت این کتب را پنهان ساخته، حفظ نمودند.

گواهی و تأئید عیسی مسیح

مهم‌تر از همه اینکه عیسی مسیح رسالت خود را بر اساس پیشگوییهای عهدعتیق (یعنی تورات و صحف انبیا) آغاز کرد. او در موعظه بالای کوه فرمود: «گمان مبرید که آمده‌ام تا تورات یا صحف انبیا را باطل سازم. نیامده‌ام تا باطل نمایم، بلکه تا تمام کنم. زیرا هر آینه به شما می‌گویم تا آسمان و زمین زایل نشود، همزه یا نقطه‌ای از تورات هرگز زایل نخواهد شد تا همه واقع شود» (متی ۵:۱۷ و ۱۸). او همواره از عهدعتیق نقل قول می‌آورد و آن را کلام جاودانی خدا می‌دانست. او تمام تعالیم خود را بر شالودهٔ عهدعتیق استوار می‌کرد. در مباحثاتش با ملایان یهود نیز از عهدعتیق حجت می‌آورد. بدون عهدعتیق او چگونه می‌توانست ادعا کند و ثابت نماید که همان مسیحای موعود است .

پس از عروج مسیح به آسمان، رسولان برگزیدهٔ او نیز عهدعتیق را اساس کار و تبشیر خود قرار دادند. آنان بر اساس عهدعتیق به یهودیان ثابت می‌کردند که عیسای ناصری همان مسیحای موعود در عهدعتیق می‌باشد. برای رسولان مسیح، عهدعتیق کلام مقدس و غیرقابل تغییر خدا بود. این امر **بیانگر آن است که تا زمان عیسی مسیح و رسولانش ، عهدعتیق تحریف نشده بوده، چرا که در این**

صورت ایشان آن را اعلام می داشتند .

امکان تحریف عهدجدید

چند سؤال مهم

تحریف؟ چه زمانی، چه کسی، کجا؟

حال ممکن است کسی بگوید که خودِ عهدجدید (انجیل) تحریف شده، در نتیجه تمام اشارات مسیح به تحریف عهدعتیق نیز از آن حذف شده است! خصوصاً با توجه به اینکه عیسی مسیح خود چیزی ننوشت و رسولان او بودند که شهادت عینی خود را نوشتند و کتاب عهدجدید را به‌وجود آوردند.

در اینجا باید به یک نکته بسیار مهم توجه داشت. در روزگار عهدجدید، کتابت دیگر امری رایج بود. بشر دیگر از لوح‌های گِلی یا سنگی برای نوشتن استفاده نمی‌کرد، بلکه از کاغذهایی که از گیاهی به‌نام پاپیروس درست می‌شد. برای نوشتن متون مقدس یا درباری نیز پوست حیوانات، به‌خاطر دوام بیشترشان، مورد استفاده قرار می‌گرفت. تعداد افراد تحصیل‌کرده نیز در سرزمینهای تحت سلطهٔ امپراطوری روم نیز بسیار بود. یهودیان، به‌خاطر اعتقادات مذهبی‌شان، کودکان خود را به کنیسه‌ها می‌فرستادند تا کتب مقدسه و خواندن و نوشتن بیاموزند.

به‌همین جهت، نوشته‌های رسولان مقدس عیسی مسیح، به‌خاطر اهمیتشان خیلی سریع نسخه‌برداری می‌شد و در کلیساهای نقاط مختلف جهان آن روزگار، به‌عنوان نوشته‌های مقدس مسیحیت حفظ می‌شد.

امیدواریم هیچیک از معتقدین به تحریف عهدجدید، بر این باور نباشند که خودِ رسولان برگزیدهٔ عیسی مسیح دست به تحریف گفته‌های مسیح یا نوشته‌های خود زدند. اکثر رسولان مسیح در راه اعتقاد خود و تبشیر و تبلیغ آن به‌طرز فجیعی شکنجه و کشته شدند. چطور چنین افرادی می‌توانستند گفته‌های مسیح را تحریف کنند و جان خود را در راه اعتقادی از دست بدهند که خودشان نیز می‌دانستند دروغ است و «من در آوردی»؟ به‌علاوه، اعتقاد به اینکه رسولان زندگی و تعالیم مسیح را تحریف کردند، به‌منزلهٔ اعتقاد به این است که عیسی در انتخاب رسولان خود اشتباه فرمود و افرادی ناصالح و فاسد را برگزید. امیداوریم کسی چنین اعتقادی نداشته باشد، چرا که این امر کفر به خدا و مسیح او است. مسیح می‌دانست چه کسانی را انتخاب می‌کند. او حتی از آغاز می‌دانست که یکی از شاگردانش، یهودای اسخریوطی، به او خیانت خواهد کرد، با اینحال، او را نیز برگزید و به او نیز مجال توبه داد. او در انتخاب خود اشتباه نکرد.

لذا در شرایطی که این نوشته‌های مقدس در اقصا نقاط جهان پخش شده بود، اگر یکی از رهبران در گوشه‌ای از دنیا قصد می‌کرد که این کتب را تحریف کند، چیزی نمی‌گذشت که عملش برملا می‌شد و خودش نیز رسوا. اگر کسی ادعا کند که رهبران جهان مسیحیت، در یکی از دوره‌های تاریخ کلیسا، «همگی» و «در همه جا» و «به‌یکباره» فاسد و منحرف شدند و تصمیم گرفتند که نوشته‌های مقدس رسولان را تحریف کنند، باید پذیرفت که چنین فرضی نه منطبق با عقل است، و نه منطبق با شهادت تاریخ!

آیا تمام مطالب عهدجدید تحریف شده است؟

علاوه بر همهٔ اینها، باید پرسید کدام قسمت‌های عهدجدید تحریف شده است؟ آیا همه کتاب؟ این منطقی نیست که بگوییم تمام خطوط و کلمات کتاب عهدجدید دستخوش تغییر شده است. بعضی ممکن است بگویند که بعضی از قسمت‌های خاص عهدجدید تحریف شده است. اگر چنین باشد، اولاً باید مشخص کرد که این قسمت‌ها کدامند، ثانیاً نتیجه می‌گیریم که بقیه قسمت‌ها دست نخورده‌اند!

بی‌پیرایگی و سادگی مطالب کتاب‌مقدس

معمولاً وقتی کسی داستانی جعلی می‌سازد، سعی می‌کند با شاخ و برگهای عجیب و غریب آن را بپیراید. اما ماجراهای کتاب‌مقدس، حتی حیرت‌انگیزترین آنها نیز چنان بی‌پیرایه و بی‌تکلف است که انسان را از صداقت نویسنده مطمئن می‌سازد.

برای مثال، ماجرای باز شدن دریا در زمان موسی بسیار ساده بیان شده است. جریان بارداری مریم عذرا از روح‌القدس نیز در نهایت بی‌پیرایگی شرح داده شده است.

شهادت باستان‌شناسی

از نظر علمی، موضوع تحریف کتاب‌مقدس منتفی است. نسخه‌های خطی متعددی که از عهدعتیق و عهدجدید یافته شده، گواهی است محکم بر اینکه کتاب‌مقدس در طول تاریخ بدون خدشه و تغییر باقی مانده و مکاشفهٔ معتبر و موثق الهی است.

نسخ خطی عهدعتیق

از عهدعتیق نسخ خطی قدیمی متعلق به قرون چهارم و پنجم میلادی باقی مانده است، اما این نسخ هیچیک حاوی متن عبری عهدعتیق نبوده، بلکه یا ترجمه‌های یونانی آن است، یا ترجمه‌های لاتین و غیره. به‌هرحال، تمام این ترجمه‌ها گواه بر این است که در قرون اولیه مسیحیت، متن عهدعتیق همان بوده است که امروز در اختیار داریم.

تا سال ۱۹٤۷، قدیمی‌ترین نسخهٔ خطی عهدعتیق به‌زبان عبرانی، متعلق به قرن دهم میلادی بود. امروزه همین متن (که متن ماسورتی نامیده می‌شود) برای ترجمهٔ عهدعتیق به زبانهای مختلف به‌کار می‌رود. اما منتقدین همیشه ادعا می‌کردند که نسخه‌ای متعلق به قرن دهم آنقدر قدیمی نیست که گواه بر این باشد که متن آن همان است که پیش از ظهور مسیحیت بوده است.

اما در سال ۱۹٤۷ و سالهای بعدی، یک پسرک چوپان در سرزمین فلسطین در اثر یک تصادف عجیب، نسخه‌های خطی بسیار قدیمی کشف کرد که محققین را شگفت‌زده ساخت. ایشان پس از مطالعات جدی بر روی این نسخه‌های خطی، ناگهان متوجه شدند که برای نخستین بار به دستنویسهایی از عهدعتیق به زبان عبرانی دست یافته‌اند که متعلق به قرون دوم قبل از میلاد تا قرن اول میلادی است. این کشف عجیب باعث دگرگونی کامل نظر منتقدین گردید و نه فقط ثابت کرد که متن عهدعتیق امروزه همان است که در دوران پیش از میلاد مسیح بود، بلکه حاکی از این است که علمای یهود در حفظ و رونویسی کتب مقدسه خود تا چه حد دقت و وسواس داشته‌اند.

نسخ خطی عهدجدید

اما در مورد عهدجدید، مسأله کاملاً فرق می‌کند. وجود چندین هزار نسخه خطی کامل و قطعات کوچکتر عهدجدید به‌زبان یونانی (زبان اصلی عهدجدید) جای شکی باقی نگذاشته که متن این کتاب همان است که از ابتدا بوده است. کشفیات جدید نیز این امر را محقق‌تر ساخته است.

علاوه بر نسخ یونانی، وجود ترجمه‌های متعدد به زبانهای مختلف متعلق به قرون اولیه مسیحیت، گواهی است استوار بر موثق بودنِ عهدجدید.

همچنین، پدران کلیسا از پایان قرن اول میلادی تا قرون چهارم و پنجم، همواره از کتاب‌های عهدجدید نقل قول کرده‌اند. تعداد این نقل قول‌ها آنچنان زیاد است که اگر حتی متن عهدجدید امروزه در دست ما نمی‌بود، باز می‌توانستیم تمام مطالب آن را از روی این نقل قولها بازسازی کنیم.

نتیجه

برای یک فرد صادِق، توجه به نکات فوق، و نیز مطالعه کتاب‌های سودمند علمی که در این زمینه وجود دارد، جای هیچگونه تردیدی باقی نمی‌گذارد که کتاب‌مقدس کلام موثق و معتبر خداست و امروزه نیز همان قدرتی را داراست که در روز اول دارا بود. کتاب‌مقدس همچون شمشیری است که به اعماق قلب و روح انسان فرو می‌رود، گناهان او را آشکار می‌سازد، و او را به‌سوی توبه و ایمان راستین به خدا رهنمون می‌شود. کتاب‌مقدس کتابی است قابل اعتماد.

امیدواریم این بحث کوتاه، در روشن ساختن برخی جوانب مسأله مؤثر باشد. سؤالات و نظرات شما طبعاً در تکمیل این مقاله بسیار مفید خواهد بود.